

## تحلیل تأثیر روش‌های یادگیری همیارانه بر افزایش تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت

۱. سید رضا ابراهیمی مقدم\*: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### چکیده

یادگیری همیارانه به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین آموزشی که بر همکاری و تعامل بین دانش‌آموزان تأکید دارد، نقش مهمی در بهبود کیفیت یادگیری و ارتقاء تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت پرداخته است. در این پژوهش مروری، با استفاده از روش تحلیل توصیفی، مطالعات گذشته در این زمینه بررسی و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که یادگیری همیارانه به‌طور معناداری به افزایش تعاملات مثبت میان دانش‌آموزان، بهبود عملکرد تحصیلی آنها و تقویت مهارت‌های اجتماعی منجر می‌شود. همچنین، این روش به دانش‌آموزان با نیازهای خاص کمک می‌کند تا از حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار شوند و ارتباطات بهتری با همسالان خود برقرار کنند. مقایسه این یافته‌ها با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق با پژوهش‌های گذشته همخوانی دارد و اهمیت یادگیری همیارانه در بهبود تعاملات و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت را تأیید می‌کند. در پایان، این مقاله به معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی توصیه می‌کند که از روش‌های یادگیری همیارانه به‌عنوان یک ابزار موثر در بهبود کیفیت آموزش استفاده کنند.

**واژگان کلیدی:** یادگیری همیارانه، تعاملات دانش‌آموزان، نیازهای متفاوت، کیفیت آموزش، مهارت‌های اجتماعی

---

## مقدمه

در سال‌های اخیر، روش‌های آموزشی نوین به‌ویژه در حوزه یادگیری همیارانه به‌عنوان رویکردی موثر در بهبود کیفیت آموزشی و ارتقای تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته‌اند. یادگیری همیارانه، به‌عنوان روشی که بر تعاملات بین فردی و همکاری میان دانش‌آموزان تأکید دارد، در نظام‌های آموزشی مختلف از جمله در ایران به تدریج جایگاه خود را پیدا کرده است. این روش، به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که نیازهای متفاوتی دارند، به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای تسهیل یادگیری و ارتقای مهارت‌های اجتماعی معرفی شده است (Johnson & Johnson, 2020). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که یادگیری همیارانه می‌تواند به افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، تقویت روابط اجتماعی و کاهش احساس تنهایی در محیط‌های آموزشی کمک کند (Gillies, 2016).

با این حال، در محیط‌های آموزشی، چالش‌ها و مشکلات متعددی وجود دارد که می‌تواند بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت تأثیر منفی بگذارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود منابع آموزشی مناسب، عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین، و ناتوانی در تشخیص و پاسخ به نیازهای خاص هر دانش‌آموز اشاره کرد. در این راستا، روش‌های سنتی تدریس که به‌طور عمده بر انتقال دانش به صورت یک‌طرفه تمرکز دارند، قادر به ایجاد تعاملات موثر و پویایی در بین دانش‌آموزان نیستند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸). یادگیری همیارانه، به دلیل تأکید بر همکاری و مشارکت دانش‌آموزان، می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای این مشکلات مطرح شود. با این وجود، موفقیت این روش در گروه‌های دانش‌آموزی با نیازهای متفاوت همچنان نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است تا بتوان از ظرفیت‌های آن به‌طور کامل بهره‌برداری کرد (Slavin, 2015).

هدف از این مقاله مروری، تحلیل تأثیر روش‌های یادگیری همیارانه بر افزایش تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت است. با توجه به اهمیت تعاملات اجتماعی در فرایند یادگیری و رشد شناختی دانش‌آموزان، بررسی این موضوع می‌تواند به درک بهتر از نقش یادگیری همیارانه در تقویت این تعاملات کمک کند. از آنجایی که دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت ممکن است با چالش‌های خاصی در فرایند یادگیری مواجه شوند، تحلیل چگونگی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات آن‌ها می‌تواند راه‌حلی کاربردی برای بهبود کیفیت آموزش ارائه دهد (وادودی و همکاران، ۱۳۹۷).

این تحقیق به دنبال پاسخ به سوالات کلیدی زیر است: اول، یادگیری همیارانه چگونه می‌تواند تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت را افزایش دهد؟ دوم، چه الگوها و روندهایی در مطالعات پیشین درباره تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان وجود دارد؟ سوم، چگونه می‌توان از یافته‌های این تحقیق برای بهبود کیفیت آموزش در گروه‌های دانش‌آموزی با نیازهای متفاوت استفاده کرد؟ این سوالات به‌عنوان محورهای اصلی مقاله قرار دارند و بررسی آنها می‌تواند به درک عمیق‌تر از تأثیرات یادگیری همیارانه کمک کند.

## روش‌شناسی پژوهش

در بخش روش‌شناسی این مقاله، به بررسی رویکردی می‌پردازیم که برای گردآوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات به کار گرفته شده است. این مقاله از نوع مروری است و به منظور بررسی و تحلیل تأثیر روش‌های یادگیری همیارانه بر افزایش تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت، از روش تحلیل توصیفی استفاده می‌کند. روش مروری به‌طور کلی برای جمع‌آوری و بررسی جامع و سیستماتیک مطالعات گذشته به کار می‌رود و هدف آن شناسایی، تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات مختلف به منظور دستیابی به درکی عمیق‌تر از موضوع مورد بررسی است.

در این مقاله، ابتدا منابع مرتبط شامل کتب، مقالات علمی، و مطالعات موردی که در زمینه یادگیری همیارانه و تأثیر آن بر تعاملات دانش‌آموزان انجام شده‌اند، به‌طور جامع جستجو و گردآوری شدند. این منابع از پایگاه‌های علمی داخلی مانند SID، CIVILICA، NOOR، ENSANI و خارجی مانند Google Scholar، ScienceDirect، PubMed و سایر پایگاه‌های مرتبط استخراج شده‌اند. سپس با استفاده از رویکردی سیستماتیک، این منابع از نظر کیفیت و ارتباط با موضوع بررسی شدند و آن دسته از مطالعات که به‌طور مستقیم به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت پرداخته‌اند، انتخاب و تحلیل شدند.

در فرآیند تحلیل، از روش تحلیل توصیفی استفاده شد که شامل بررسی کیفی محتوا و یافته‌های مطالعات انتخابی است. در این روش، ابتدا اطلاعات و داده‌های کلیدی استخراج و دسته‌بندی شدند و سپس با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی، الگوها و روندهای مشاهده شده در مطالعات گذشته شناسایی و تحلیل گردیدند. تحلیل توصیفی به ما امکان می‌دهد تا به جای تکیه بر تحلیل آماری صرف، به درکی عمیق‌تر از معانی و مفاهیم موجود در داده‌ها دست یابیم و تأثیرات متقابل عوامل مختلف را بررسی کنیم.

## مروری بر ادبیات

با ظهور فناوری‌های نوین در عرصه آموزش، یادگیری تعاملی مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال به یکی از موضوعات مهم و پرکاربرد در پژوهش‌های آموزشی تبدیل شده است. این نوع یادگیری، که بر اساس تعاملات مستمر میان فراگیران و محتوا، فراگیران با یکدیگر و نیز میان فراگیران و مدرسان تعریف می‌شود، توانسته است ابعاد گوناگونی از فرآیند یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). در این بخش از مقاله، به تحلیل و بررسی مطالعاتی که پیش‌تر در زمینه یادگیری تعاملی و تأثیر آن بر توانایی‌های ارتباطی انجام شده‌اند، پرداخته می‌شود.

مطالعات اولیه در حوزه یادگیری تعاملی، تمرکز خود را بر روی مفاهیم پایه‌ای این نوع یادگیری و معرفی پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان ابزارهای آموزشی گذاشته‌اند. برای مثال، Garrison و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی چارچوب یادگیری مبتنی بر اجتماع (Community of Inquiry) پرداختند که در آن سه عنصر اصلی تعامل شناختی، اجتماعی و آموزشی به عنوان پایه‌های

یادگیری تعاملی معرفی می‌شوند. این پژوهش نشان داد که تعاملات موثر میان این سه عنصر می‌تواند بهبود قابل توجهی در کیفیت یادگیری و توانایی‌های ارتباطی فراگیران به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر، تحقیقات بیشتری در زمینه تأثیر یادگیری تعاملی مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال بر توانایی‌های ارتباطی انجام شده است. در یکی از مطالعات مهم، Archer و Anderson (۲۰۲۰) با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به بررسی تأثیرات این نوع یادگیری بر مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که فراگیرانی که در محیط‌های یادگیری تعاملی مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال مشارکت داشتند، در مقایسه با فراگیران در کلاس‌های سنتی، از توانایی‌های ارتباطی بالاتری برخوردار بودند. این یافته‌ها به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند ارتباطات بین فردی، توانایی‌های سخنوری و مهارت‌های نوشتاری نمایان بود.

پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی اثرات یادگیری تعاملی پرداخته‌اند. رضایی و همکاران (۱۳۹۸) در یک مطالعه تجربی به بررسی تأثیر استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال در یادگیری تعاملی بر بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان دبیرستانی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که دانش‌آموزانی که به‌طور مداوم از پلتفرم‌های دیجیتال مانند سیستم‌های مدیریت یادگیری و ابزارهای شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند، نه تنها درک بهتری از مفاهیم درسی داشتند، بلکه در توانایی‌های ارتباطی نیز پیشرفت چشم‌گیری داشتند. این تحقیق تأکید دارد که یادگیری تعاملی می‌تواند ابزار موثری برای تقویت مهارت‌های ارتباطی در محیط‌های آموزشی باشد.

تحقیقات دیگری نیز به بررسی نقش عوامل مختلف در تأثیرگذاری یادگیری تعاملی بر مهارت‌های ارتباطی پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای که توسط کلانتری و همکاران (۱۴۰۰) انجام شد، نشان داد که میزان تعاملات اجتماعی و سطح استفاده از فناوری در یادگیری تعاملی، دو عامل کلیدی در بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان هستند. این پژوهش نشان داد که هرچه تعاملات اجتماعی در محیط‌های یادگیری دیجیتال بیشتر باشد، توانایی‌های ارتباطی فراگیران نیز بهبود بیشتری پیدا می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی که تعاملات اجتماعی و مشارکتی را تسهیل می‌کنند، تأکید می‌کند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهمی که در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، نقش مدرسان در تسهیل یادگیری تعاملی است. تحقیقاتی مانند مطالعه Gikandi (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که نقش مدرسان به عنوان تسهیل‌کننده یادگیری در محیط‌های دیجیتال، بسیار حیاتی است. مدرسانی که قادر به ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی و حمایت از دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری هستند، می‌توانند تأثیرات مثبتی بر بهبود توانایی‌های ارتباطی دانش‌آموزان داشته باشند. این تحقیق همچنین بر نیاز به آموزش و توسعه حرفه‌ای مدرسان در زمینه استفاده از فناوری‌های آموزشی نوین تأکید دارد.

مجموعه این تحقیقات نشان می‌دهد که یادگیری تعاملی مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال می‌تواند نقش مهمی در بهبود توانایی‌های ارتباطی دانش‌آموزان ایفا کند. با این حال، موفقیت این نوع یادگیری به عوامل مختلفی بستگی دارد که شامل طراحی مناسب پلتفرم‌ها، میزان تعاملات اجتماعی، و نیز توانایی و حمایت مدرسان در تسهیل یادگیری است. همچنین، نتایج این تحقیقات بر اهمیت ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی که تعاملات مستمر و معنادار میان فراگیران را تسهیل می‌کنند، تأکید دارند.

در نهایت، با توجه به نتایج مطالعات پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری تعاملی مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال می‌تواند به عنوان یک رویکرد موثر در آموزش به کار گرفته شود، به ویژه در بهبود توانایی‌های ارتباطی که یکی از مهارت‌های کلیدی در دنیای امروز محسوب می‌شود. این امر نیازمند توجه بیشتر به طراحی و پیاده‌سازی محیط‌های یادگیری تعاملی و توسعه مهارت‌های مدرسان در استفاده از این فناوری‌ها است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یادگیری همیارانه به عنوان یکی از رویکردهای آموزشی که بر همکاری و تعامل بین دانش‌آموزان تأکید دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این روش، در قالب گروه‌های کوچک از دانش‌آموزان با سطوح مختلف مهارت‌ها و توانایی‌ها، فرصتی فراهم می‌کند تا آنها با کمک و همکاری یکدیگر به یادگیری بپردازند. در این نوع یادگیری، هدف اصلی نه تنها دستیابی به محتوای آموزشی، بلکه تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتقاء توانمندی‌های بین فردی است (Johnson & Johnson, 2019). این رویکرد می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به درک بهتری از موضوعات آموزشی دست یابند و از طریق تعامل با دیگران، مسائل را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند.

تعاملات دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نقش اساسی دارد. تعاملات به مجموعه ارتباطات و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در جریان یادگیری بین دانش‌آموزان رخ می‌دهد و شامل تبادل اطلاعات، افکار و تجربیات است. تعاملات موثر می‌تواند به تقویت یادگیری کمک کرده و از طریق ایجاد فضای تعاملی، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد. در این راستا، تعاملات میان فردی نه تنها به یادگیری بهتر کمک می‌کند، بلکه به بهبود روابط اجتماعی دانش‌آموزان نیز منجر می‌شود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸).

نیازهای متفاوت دانش‌آموزان یکی دیگر از مفاهیم کلیدی است که باید به آن پرداخته شود. این نیازها شامل نیازهای تحصیلی، عاطفی، اجتماعی و جسمی است که می‌تواند از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. دانش‌آموزانی که نیازهای خاصی دارند، ممکن است به روش‌های آموزشی ویژه‌ای نیاز داشته باشند تا بتوانند به بهترین شکل یاد بگیرند. در این راستا، یادگیری همیارانه می‌تواند به عنوان یک راه‌حل موثر برای پاسخگویی به این نیازها مطرح شود، زیرا این روش به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا با همکاری و حمایت یکدیگر، از توانایی‌های مختلف خود بهره‌برداری کنند و در کنار هم به پیشرفت دست یابند (وادودی و همکاران، ۱۳۹۷).

نظریه‌های مختلفی در مورد یادگیری همیارانه و تأثیر آن بر تعاملات دانش‌آموزان وجود دارد. یکی از برجسته‌ترین این نظریات، نظریه وابستگی متقابل اجتماعی است که توسط جانسون و جانسون (۲۰۱۹) مطرح شده است. این نظریه بر این فرض استوار است که یادگیری موثر زمانی اتفاق می‌افتد که افراد در گروه‌های یادگیری به‌طور فعال با یکدیگر همکاری کنند و از موفقیت یکدیگر حمایت نمایند. این وابستگی متقابل مثبت، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا احساس مسئولیت مشترک برای موفقیت گروه داشته باشند و از طریق تعاملات مستمر، به یادگیری عمیق‌تر دست یابند.

یکی دیگر از نظریات مهم در این زمینه، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (Bandura, 1977) است. بندورا معتقد است که یادگیری از طریق مشاهده و تعامل با دیگران صورت می‌گیرد. او تأکید دارد که افراد نه تنها از طریق تجربه شخصی، بلکه از طریق مشاهده رفتار دیگران نیز می‌آموزند. در این راستا، یادگیری همیارانه به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا از طریق مشاهده و همکاری با همکلاسی‌های خود، مهارت‌ها و دانش جدیدی را کسب کنند. این نظریه به ویژه برای دانش‌آموزانی که نیازهای متفاوتی دارند، اهمیت دارد، زیرا آنها می‌توانند از طریق مشاهده و تقلید از رفتارها و استراتژی‌های موفق همسالان خود، به یادگیری بهتر دست یابند.

علاوه بر این، نظریه ساخت‌گرایی ویگوتسکی (Vygotsky, 1978) نیز در زمینه یادگیری همیارانه تأثیرگذار است. ویگوتسکی بر اهمیت تعاملات اجتماعی در فرایند یادگیری تأکید دارد و معتقد است که یادگیری به‌طور عمده از طریق تعامل با دیگران و در بستر فرهنگی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. او مفهوم "منطقه تقریبی توسعه" (ZPD) را مطرح می‌کند که بر اساس آن، دانش‌آموزان می‌توانند با کمک یک همسال یا فردی با تجربه‌تر، به سطح بالاتری از یادگیری دست یابند. یادگیری همیارانه به‌طور مستقیم با این نظریه مرتبط است، زیرا دانش‌آموزان از طریق همکاری و حمایت یکدیگر می‌توانند به توانایی‌ها و مهارت‌هایی دست یابند که به تنهایی قادر به کسب آنها نیستند.

### پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان پرداخته‌اند و نتایج این پژوهش‌ها نشان‌دهنده اثرات مثبت این روش بر بهبود تعاملات اجتماعی و یادگیری دانش‌آموزان است. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط Johnson و Johnson (۲۰۲۰) انجام شده است، نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در گروه‌های یادگیری همیارانه شرکت می‌کنند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که به صورت انفرادی یا در کلاس‌های سنتی یاد می‌گیرند، از تعاملات اجتماعی بیشتری برخوردارند و توانایی‌های اجتماعی بهتری از خود نشان می‌دهند. این مطالعه همچنین نشان داد که یادگیری همیارانه می‌تواند به کاهش رفتارهای منفی و افزایش حمایت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان منجر شود.

همچنین، پژوهشی که توسط Slavin (۲۰۱۵) انجام شد، تأثیرات مثبت یادگیری همیارانه بر عملکرد تحصیلی و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان را بررسی کرد. نتایج این تحقیق نشان داد که دانش‌آموزان با نیازهای مختلف که در گروه‌های همیارانه شرکت داشتند، توانستند به پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌های تحصیلی و اجتماعی دست یابند. Slavin تأکید کرد که موفقیت یادگیری همیارانه به کیفیت اجرای آن بستگی دارد و باید به‌طور دقیق و با استفاده از راهبردهای مناسب به کار گرفته شود.

در پژوهش‌های ایرانی نیز تأثیرات مثبت یادگیری همیارانه مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط غفاری و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد، نشان داد که استفاده از یادگیری همیارانه در کلاس‌های درس منجر به افزایش تعاملات مثبت و کاهش رفتارهای نامطلوب در بین دانش‌آموزان شد. این پژوهش همچنین نشان داد که دانش‌آموزانی که در گروه‌های همیارانه شرکت

کردند، نسبت به دانش‌آموزانی که در روش‌های سنتی آموزش دیدند، از رضایت بیشتری برخوردار بودند و تمایل بیشتری به همکاری و مشارکت در فعالیتهای کلاسی داشتند.

پژوهش دیگری که توسط وادودی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شد، نشان داد که یادگیری همیارانه می‌تواند به بهبود تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای خاص منجر شود. در این پژوهش، تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای آموزشی ویژه بررسی شد و نتایج نشان داد که این روش می‌تواند به این دانش‌آموزان کمک کند تا با همکلاسی‌های خود ارتباط بهتری برقرار کنند و از حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار شوند. این یافته‌ها نشان‌دهنده پتانسیل بالای یادگیری همیارانه برای بهبود وضعیت آموزشی و اجتماعی دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت است.

در مجموع، مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد که یادگیری همیارانه به‌عنوان یک روش آموزشی موثر، تأثیرات مثبت فراوانی بر تعاملات دانش‌آموزان دارد. این روش نه تنها به بهبود یادگیری و عملکرد تحصیلی کمک می‌کند، بلکه به تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتقاء تعاملات بین فردی دانش‌آموزان نیز منجر می‌شود. با این حال، موفقیت این روش به عوامل مختلفی همچون کیفیت اجرای برنامه‌های یادگیری همیارانه، پشتیبانی معلمان، و میزان مشارکت دانش‌آموزان بستگی دارد. بنابراین، بررسی دقیق و جامع‌تر این عوامل می‌تواند به بهبود کارایی و اثربخشی یادگیری همیارانه در محیط‌های آموزشی کمک کند.

### یافته‌ها

در بررسی و تحلیل کیفی مطالعات گذشته در زمینه تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده از نظر کیفیت و ارتباط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل کیفی، به معنای بررسی عمیق و تفسیر داده‌ها و یافته‌ها با هدف استخراج مفاهیم و روابط موجود در بین آنهاست (Creswell, 2018). در این راستا، مطالعات متعددی که به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان پرداخته‌اند، نشان‌دهنده تأثیرات مثبت این روش بر بهبود تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است.

به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که توسط جانسون و جانسون (۲۰۲۰) انجام شد، به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی در گروه‌های دانش‌آموزی پرداخته شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که یادگیری همیارانه به‌طور معناداری به افزایش تعاملات مثبت بین دانش‌آموزان منجر می‌شود. این پژوهش همچنین نشان داد که دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری همیارانه فعالیت می‌کنند، تمایل بیشتری به همکاری و مشارکت دارند و از حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های دیگری همچون تحقیق اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۶) که به بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان پرداختند، هم‌خوانی دارد. اسماعیلی و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزانی که در گروه‌های یادگیری همیارانه شرکت می‌کنند، از لحاظ تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی نسبت به دانش‌آموزانی که به صورت انفرادی یاد می‌گیرند، موفق‌تر هستند.

در تحلیل کیفی این مطالعات، مشخص شد که یکی از عوامل کلیدی در موفقیت یادگیری همیارانه، ساختار گروه‌ها و نحوه تشکیل آنهاست. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که گروه‌های متنوع از نظر توانایی‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان می‌توانند نتایج بهتری را به همراه داشته باشند (Slavin, 2015). همچنین، پشتیبانی معلمان و تسهیل‌گران آموزشی نیز به عنوان یکی از عوامل مهم در موفقیت این روش مطرح شده است. معلمان با هدایت صحیح گروه‌ها و ارائه بازخوردهای مناسب می‌توانند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش تعاملات دانش‌آموزان کمک کنند (وادودی و همکاران، ۱۳۹۷).

در ادامه تحلیل کیفی، به شناسایی الگوها و روندهای مشاهده شده در مطالعات گذشته پرداخته شد. یکی از الگوهای مشترک در اکثر مطالعات، تأثیر مثبت یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان است. این تعاملات شامل تبادل اطلاعات، کمک به یکدیگر در حل مسائل، و ایجاد فضای حمایتی و انگیزشی در میان دانش‌آموزان است (Gillies, 2016). به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که توسط حیدری و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد، نشان داده شد که یادگیری همیارانه می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان و تقویت روابط بین فردی آنها منجر شود. در این پژوهش، مشخص شد که دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری همیارانه شرکت می‌کنند، احساس تعلق بیشتری به گروه دارند و از نظر اجتماعی فعال‌تر هستند.

یکی دیگر از روندهای مشاهده شده در مطالعات، تأثیر مثبت یادگیری همیارانه بر دانش‌آموزان با نیازهای خاص است. در این زمینه، پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که یادگیری همیارانه می‌تواند به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه کمک کند تا از طریق تعامل با همسالان خود، به بهبود مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی دست یابند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸). به عنوان مثال، در پژوهشی که توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شد، تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری همیارانه شرکت کردند، توانستند بهبود قابل توجهی در تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی خود داشته باشند.

در مرحله نهایی تحلیل توصیفی، نتایج حاصل از مطالعات گذشته به منظور دستیابی به نتایج کلی‌تر ترکیب شدند. ترکیب نتایج به معنای ادغام یافته‌های مختلف به منظور ارائه یک تصویر جامع‌تر از تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات دانش‌آموزان است (Creswell, 2018). در این راستا، مشخص شد که یادگیری همیارانه به‌طور کلی تأثیرات مثبتی بر تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان دارد و می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی آنها کمک کند. این نتایج نشان‌دهنده پتانسیل بالای این روش آموزشی در تقویت مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان است.

به طور کلی، ترکیب نتایج نشان داد که یادگیری همیارانه نه تنها به عنوان یک روش موثر در بهبود تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت عمل می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و ایجاد فضای حمایتی در محیط‌های آموزشی به کار گرفته شود. این نتایج می‌تواند به معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا با بهره‌گیری از این روش،



به بهبود کیفیت آموزش و ارتقاء تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس بپردازند. همچنین، نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحقیقات آینده در زمینه یادگیری همیارانه و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که یادگیری همیارانه به‌عنوان یک روش آموزشی نوین، تأثیرات مثبتی بر تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت دارد. این روش نه تنها به بهبود مهارت‌های اجتماعی و تعاملات بین فردی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش مشارکت فعال آنها در فرایند یادگیری نیز می‌شود. در پاسخ به سوالات تحقیق، می‌توان گفت که یادگیری همیارانه به‌ویژه در گروه‌های دانش‌آموزی با نیازهای متفاوت، محیطی را فراهم می‌کند که در آن دانش‌آموزان می‌توانند از حمایت‌های اجتماعی و آموزشی یکدیگر بهره‌مند شوند (Johnson & Johnson, 2020). این تعاملات مثبت به افزایش انگیزه و کاهش استرس در میان دانش‌آموزان کمک کرده و به آنها امکان می‌دهد تا با اعتماد به نفس بیشتری به یادگیری بپردازند (Gillies, 2016).

مقایسه یافته‌های این مقاله با نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق با پژوهش‌های گذشته همخوانی دارد. به عنوان مثال، پژوهش‌هایی که توسط اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۶) و احمدی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شده‌اند، نشان می‌دهند که یادگیری همیارانه تأثیر مثبتی بر تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. نتایج این مطالعات با یافته‌های این مقاله همسو است و تأیید می‌کند که یادگیری همیارانه می‌تواند به عنوان یک راهکار موثر برای بهبود کیفیت آموزش در گروه‌های دانش‌آموزی با نیازهای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، برخی از مطالعات پیشین به چالش‌هایی همچون نیاز به پشتیبانی بیشتر معلمان و ضرورت آموزش‌های لازم برای اجرای صحیح این روش اشاره کرده‌اند (Slavin, 2015).

یافته‌های این مقاله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نشان می‌دهد که یادگیری همیارانه می‌تواند به بهبود تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت کمک کند. این موضوع به‌ویژه در نظام‌های آموزشی که با تنوع بالای نیازهای دانش‌آموزان مواجه هستند، بسیار حائز اهمیت است. با استفاده از یادگیری همیارانه، معلمان می‌توانند محیطی فراهم کنند که در آن هر دانش‌آموز با توجه به توانایی‌ها و نیازهای خود، به بهترین شکل ممکن یاد بگیرد و در عین حال از تعاملات اجتماعی مثبت و حمایت‌های همسالان خود بهره‌مند شود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸). این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا با اتخاذ رویکردهای مناسب، به بهبود کیفیت آموزش و ارتقاء تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس بپردازند.

در این مقاله مروری، تأثیر روش‌های یادگیری همیارانه بر افزایش تعاملات دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری همیارانه می‌تواند به عنوان یک ابزار موثر در بهبود تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت عمل کند. این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با همکاری و مشارکت یکدیگر، نه تنها به یادگیری عمیق‌تری دست یابند، بلکه روابط اجتماعی قوی‌تری نیز برقرار کنند.

با توجه به نتایج این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی دقیق‌تر عواملی که می‌تواند موفقیت یادگیری همیارانه را تحت تأثیر قرار دهد، بپردازند. به عنوان مثال، بررسی نقش معلمان و تسهیل‌گران آموزشی در اجرای این روش و همچنین تأثیرات یادگیری همیارانه بر گروه‌های مختلف دانش‌آموزی با نیازهای ویژه می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی این روش کمک کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های تجربی بیشتری در این زمینه انجام شود تا تأثیرات بلندمدت یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌های این مقاله می‌تواند کاربردهای عملی مهمی برای معلمان، سیاست‌گذاران آموزشی و دیگر ذینفعان داشته باشد. معلمان می‌توانند از روش‌های یادگیری همیارانه به عنوان یک ابزار موثر برای بهبود کیفیت آموزش و افزایش تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان استفاده کنند. سیاست‌گذاران آموزشی نیز می‌توانند با تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی، از اجرای موفقیت‌آمیز این روش در مدارس اطمینان حاصل کنند. همچنین، این یافته‌ها می‌تواند به والدین و سایر ذینفعان کمک کند تا اهمیت تعاملات اجتماعی و یادگیری همیارانه را در فرایند یادگیری فرزندان خود درک کنند و از آنها حمایت کنند.

## منابع

- احمدی، م.، و همکاران. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۰(۳)، ۶۵-۸۰.
- اسماعیلی، ح.، و همکاران. (۱۳۹۶). تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات تربیتی، ۱۲(۲)، ۹۱-۱۰۴.
- غفاری، ح.، و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر یادگیری همیارانه بر تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان در کلاس‌های درس. فصلنامه مطالعات آموزشی، ۱۵(۲)، ۴۵-۶۳.
- وادودی، م.، و همکاران. (۱۳۹۷). یادگیری همیارانه: راهکاری برای افزایش مشارکت و تعاملات دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزش، ۱۲(۱)، ۷۸-۹۲.

Creswell, J. W. (2018). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (5th ed.). SAGE Publications.

Gillies, R. M. (2016). Cooperative Learning: Review of Research and Practice. *Australian Journal of Teacher Education*, 41(3), 39-54.

Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2019). *Cooperative Learning: The Power of Positive Interdependence*. Basic Books.

Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2020). An Educational Psychology Success Story: Social Interdependence Theory and Cooperative Learning. *Educational Researcher*, 49(5), 364-374.

Slavin, R. E. (2015). Cooperative Learning in Elementary Schools. *Education 3-13*, 43(1), 5-14.

# Analyzing the Impact of Cooperative Learning Methods on Enhancing Interactions Among Students with Diverse Needs

1. Seyed Reza Ebrahimi Moqaddam\*: Department of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

## Abstract

Cooperative learning, as an innovative educational approach emphasizing collaboration and interaction among students, plays a crucial role in enhancing learning quality and promoting social interactions among students. This article examines the impact of cooperative learning on interactions among students with diverse needs. Through a narrative review, using descriptive analysis, previous studies in this field have been reviewed and analyzed. The results indicate that cooperative learning significantly increases positive interactions among students, improves their academic performance, and strengthens their social skills. Additionally, this approach helps students with special needs to receive greater social support and establish better connections with their peers. Comparing these findings with previous studies shows consistency and confirms the importance of cooperative learning in improving interactions and learning quality for students with diverse needs. Finally, this article recommends teachers and educational policymakers to utilize cooperative learning methods as an effective tool for enhancing educational quality.

**Keywords:** Cooperative learning, student interactions, diverse needs, educational quality, social skills

---